



رنج‌هایی که پیغمبر(ص) کشید / شناخت رسول خدا فعالانه باشد نه منفعلانه

سنگری با بیان اینکه در سال‌های آغاز دعوت علنی پیغمبر(ص)، دشمنان مجموعه‌ای از رنج‌ها، دشواری‌ها و تنگناها را برای پیامبر به وجود آوردند....

سنگری با بیان اینکه در سال‌های آغاز دعوت علنی پیغمبر(ص)، دشمنان مجموعه‌ای از رنج‌ها، دشواری‌ها و تنگناها را برای پیامبر به وجود آوردند، گفت: وقتی پیامبر(ص) از کوچه‌ها می‌گذشتند از پشت بام‌ها بر سر ایشان خاکروبه‌ها می‌ریختند. امروز هم از این آلودگی‌ها با فضای تبلیغاتی بر سر پیغمبر(ص) می‌ریزند و کاری که مکرون کرد همین است. یعنی اتفاقاتی که آن روز افتاد، امروز هم درباره وجود مقدس پیامبر(ص) اتفاق می‌افتد.

سنگری‌آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که گوشه‌ای از تلاش‌ها و سخت‌کوشی‌های بی‌نظیر رسول اکرم(ص) در راه گسترش توحید و رساندن انسان به قله انسانیت را به ما نشان می‌دهد. آیات زیبایی که در آن‌ها خداوند قدرشناسانه رسول(ص) خود را آرام می‌کند و می‌فرماید: «مَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (طه، ۲). قرآن برای این نازل نشد که این همه به سختی و مشقت بیفتی و گاه رسول خدا(ص) از غم ایمان‌نیاوردن برخی چنان دچار رنج می‌شدند که خداوند به ایشان فرمودند: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ». چه بسا تو جانت را می‌فرساید که چرا مشرکان مؤمن نمی‌شوند. متن زیر گفت‌وگو با محمدرضا سنگری، محقق تاریخ اسلام، درباره رنج‌هایی است که بر رسول خدا(ص) در دوره دعوت به دین اسلام وارد شد.

سنگری در گفت‌وگو با ایکنا از خوزستان، درباره رنج‌هایی که پیغمبر اکرم(ص) در دوران دعوت مردم به اسلام تحمل کردند، گفت: اگر شروع بعثت پیغمبر(ص) را بررسی کنیم، در طول سه سال آغازین، دعوت پیامبر(ص) پنهان است و در طول این مدت حدود ۱۷ نفر ایمان آوردند. چون دعوت پیامبر(ص) پنهان است در این مدت چندان آسیبی متوجه ایشان نیست. گزارش‌های تاریخی این گونه است که پیغمبر(ص) به کنار کعبه می‌آمدند، گروهی این صحنه را تماشا می‌کردند و می‌دیدند یک زن در کنار ایشان و در دیگر سو نوجوانی می‌ایستد و پیامبر(ص) حرکاتی انجام می‌دهند که نماز بوده است، چون اولین واجبی که برای پیغمبر(ص) مطرح شد، نماز بود.

وی اظهار کرد: در این مدت کسی چندان با ایشان کاری ندارد و پیغمبر(ص) در منزل زیدبن ارقم فعالیت‌های خود را شروع می‌کنند. افراد، پنهانی با پیامبر خدا دیدار می‌کنند و ایمان می‌آورند. بعد از سه سال وقتی پیامبر مأمور می‌شوند دعوت به خود را آشکار کنند در آن روز که به یوم الانذار معروف است، عشیره خود را جمع می‌کنند و مشهور است که در روز اول امیرالمؤمنین(ع) که چهارده یا پانزده سال بیشتر سن نداشت، مأمور بود غذایی تهیه کند و پیغمبر(ص) دعوت خود را علنی کنند. در آن روز با کارهای بیهوده افرادی مثل ابولهب، مجلس به سرانجام نرسید و روز بعد که پیغمبر(ص) بعثت خود را آشکار کردند، آزار و اذیت‌ها شروع شد. این آزار و اذیت‌ها به چند شکل بود؛
یک شکل آن جنگ روانی بود. به این معنا که پیغمبر را العیاذبالله مجنون بخوانند و او را کاهن و شاعر معرفی کنند و به قول امروزی‌ها می‌گفتند او دچار روان‌پریشی است. یعنی تعادل روحی و روانی ندارد. این حرف‌ها نشانگر تأثیر جنیان در او و پریشانی ذهن اوست یا اهل تخیل است و شعر می‌گوید، بنابراین به او اعتماد نکنید.

این استاد دانشگاه گفت: یک شکل دیگر رنج‌های پیغمبر(ص)، آزار جدی جسمی بود. آنها شروع به آزار پیامبر(ص) کردند. مثلاً سنگ آسیابی را می‌آوردند و در نماز در گردن پیامبر(ص) می‌انداختند و ایشان تا مرز خفه شدن پیش رفتند. یا یک بار عتبه گلوی پیامبر را چنان فشرد که پیغمبر(ص) احساس کردند الان جان از بدنشان خارج می‌شود. یا مثلاً شکمبه حیوانی را بر سر پیغمبر(ص) انداختند و پیامبر(ص) در نماز تا مرز خفگی پیش رفتند. یا در راه وقتی به خانه برمی‌گشتند در مسیر او خار می‌ریختند تا پایشان آزرده شود و کودکانی را برمی‌انگیختند که به ایشان سنگ بزنند و شعر یادشان می‌دادند. این کار را ابولهب و زنش ام‌جمیل انجام می‌دادند و این موضوع در سوره تبت آمده است. از این سوره می‌توان آهنگ‌ها و اشعاری که علیه پیغمبر(ص) می‌ساختند فهمید.

وی با بیان اینکه در سال‌های نخست اعلام بعثت آسیب‌های فراوانی به وجود پیغمبر(ص) وارد آوردند، گفت: وقتی پیامبر(ص) از کوچه‌ها می‌گذشتند از پشت بام‌ها بر سر ایشان خاکروبه‌ها و آلودگی‌ها می‌ریختند. امروز هم از این آلودگی‌ها با فضای تبلیغاتی بر سر پیغمبر(ص) می‌ریزند و کاری که مکرون کرد همین است. یعنی اتفاقاتی که آن روز افتاد، امروز هم درباره وجود مقدس پیامبر(ص) اتفاق می‌افتد. دشمنان رسول خدا به این آزارها اکتفا نکردند و چندین بار تصمیم‌های جدی گرفتند که پیغمبر(ص) را به شکل خاصی به قتل برسانند. مثلاً به ابوطالب پیشنهاد کردند جوان برانزده

ای به او بدهند و در مقابل او پیغمبر(ص) را به آنها بسپارد که ابوطالب به شدت مقابل آنها ایستاد. گاهی هم پیشنهادهای خاصی به خود پیغمبر می دادند و می گفتند اگر می خواهی به تو پول می دهیم و زیباترین زن عرب را به تو می دهیم و سعی می کردند با این رنج ها و آزارها پیغمبر(ص) را از پا درآوردند.

پژوهشگر دینی تصریح کرد: سرانجام این آزارها به جایی رسید که به شعب ابی طالب کشیده شد. اگر کسی مطالعه کند خواهد دید چه رنج هایی در این دوره به پیامبر(ص) رسید. خیلی ها از گرسنگی در شعب ابی طالب از دنیا رفتند و حتی دو چهره بزرگ یعنی حضرت خدیجه(س) و حضرت ابوطالب(ع) با این فقر و سختی و محاصره اقتصادی که دشمنان ایجاد کردند از دنیا رفتند. کنار این مسئله شکنجه یاران پیغمبر(ص) نیز شروع شد. ببینید مجموعه ای از رنج، دشواری و به تنگنا انداختن برای پیامبر به وجود آوردند. برای مثال عمار، پدرش(یاسر) را در زیر شکنجه و مادرش سمیه را به ضربه سنگینی که بر سرش وارد کردند، از دست داد. یاران دیگر پیغمبر(ص) مثل ابوذر و بلال خیلی رنج کشیدند، در تاریخ می خوانیم که سنگ های داغ و سنگین را بر سینه بلال می گذاشتند و بلال تا مرز خفگی پیش می رفت، اما فقط «احد، احد» می گفت.

به گفته سنگری، مجموعه آیاتی که در این باره نازل شده است نشان می دهد پیامبر(ص) کوتاه نمی آمد و محکم ایستاده بود و گاهی چنان به سختی می افتاد که خداوند می فرمود: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعرا، ۳) به زبان ما یعنی یا رسول الله من این قدر از تو انتظار ندارم. تو داری خود را از بین میبری. ما بعثت را برای مشقت انداختن تو قرار ندادیم: «مَا أَتُزَكَّا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِنَشَقِّكَ» (طه، ۲) اما پیامبر(ص) در راه خدا همه اینها را تحمل می کردند. اینها بخشی از رنج هایی است که بر پیغمبر(ص) وارد شد. وقتی به طائف می روند چنان به ایشان سنگ زدند که گویی زیر سنگ مدفون شدند و گمان کردند پیغمبر(ص) کشته شده است، تا اینکه فردی به نام عداس آمد و آب و خوشه انگوری به ایشان داد و رسول خدا(ص) دوباره توانی گرفتند و برخاستند. مجموعه ای از رنج ها متوجه پیامبر(ص) بزرگوار ما بوده است، اما رسول خدا(ص) در راه خدا همه اینها را به جان خرید و آخ نگفت.

وی درباره اهانت هایی که به ساحت مقدس پیامبر(ص) می شود، گفت: این اتفاقاتی که هر ازچندگاه به گونه های مختلف می افتد؛ گاه با کشیدن یک کاریکاتور یا ساختن یک فیلم یا اهانت برخی سران، به نظر من نوعی آزمون مسلمین در جهان است که ببینند آیا مسلمانان بدون عکس العمل می مانند و عادی از کنار موضوع می گذرند یا نه؟ می خواهند ببینند آیا غیرت مسلمانی افول پیدا کرده است یا نه؟ اما عکس العمل هایی که در گستره جهانی می بینیم به دشمن نشان می دهد مسلمانان بیدارند و بر آرمان های خود محکم ایستاده اند.

سنگری بیان کرد: در کنار این موضوع که بیشتر انفعالی است باید یک روش فعال نیز داشته باشیم. منتظر نمایم دشمن ارزش های مکتب و دین مان مثل وجود مقدس پیغمبر(ص) را مورد تهاجم قرار دهد و بعد واکنش نشان دهیم، بلکه تلاش کنیم پیغمبر(ص) خود را بشناسانیم. مخصوصاً با جریان منفور داعش، تصویر تاریکی که از وجود مقدس پیامبر(ص) و دین اسلام در اروپا ترسیم شده است، ما باید به جنگ این تبلیغات برویم و کاملاً فعال وارد میدان فرهنگی و تبلیغاتی جهان شویم و با تولید کتاب ها و فیلم ها و آثاری که بتواند چهره زیبای پیغمبر(ص) را درست منعکس کند، سنت و سیره پیامبر(ص) را به جهان معرفی کنیم که این کار زمینه محبت و مهرورزی به پیغمبر(ص) را فراهم خواهد کرد. در روایات داریم که ما را بشناسانند و این شناخت زمینه محبت و گرایش مردم به ما را فراهم خواهد کرد.